

فلسطین برای من بهشت است

مصاحبه با لیلای خالد *

ترجمه: علیرضا ثقفی

مصاحبه زیر توسط فرانک برات با رفیق لیلای خالد عضو دفتر سیاسی جبهه آزادیبخش خلق فلسطین در 18 آوریل 2014 انجام و در سایت جبهه‌ی آزادیبخش خلق فلسطین منتشر شده است.

فرانک برات: حالتان چطور است؟ در امان چه می‌کنید؟

لیلای خالد: حال خوب است. من مدتهاست که بخشی از مبارزه برای آزادی هستم. برای حق بازگشت و برای ایجاد دولت مستقلی به پایتختی بیت‌المقدس.

من می‌دانم که در آینده نزدیک این به دست نخواهد آمد، اما من هم چنان مبارزه می‌کنم. اینجا در امان، من مسوول بخش مهاجران و حق برگشت در جبهه‌ی آزادیبخش فلسطین هستم.

- شما یک مهاجر فلسطینی هستید. یک نفر از 6 میلیون. آیا هنوز فکر می‌کنید یک روز بازخواهید گشت؟ و آیا می‌توانید شرایط مهاجران فلسطینی در لبنان را داشته باشید که منکر حقوق اساسی‌شان هستند و بعضی اوقات مورد انتقاد قرار می‌گیرند که سعی می‌کنند زندگی‌شان را در لبنان بهبود بخشند به گونه‌ای که ممکن است حق آنان برای بازگشت به فلسطین را تحت تاثیر قرار دهد؟

لیلای خالد: فلسطینی‌ها در کشورهای مختلف پخش شده‌اند. هر کشوری مقرراتی را برای زندگی مردم در آنجا دارد. آنهایی که در لبنان هستند در دهه‌ی هفتاد و هشتاد قرن گذشته، تا 1982، کسانی بودند که به مبارزه‌ی مسلحانه کمک می‌کردند. کمک‌هایی که از انقلاب دفاع می‌کرد. اسرائیل به آنجا حمله کرد و آنجا را مورد تهاجم قرار داد و بخش‌هایی از کشور را اشغال کرد. پس از 1982 رسالت اصلی فلسطینی‌ها به دست آوردن حقوق‌شان بود، حقوق اجتماعی و مدنی‌شان که در لبنان از آن محروم بودند. این امر می‌تواند آنها را قادر سازد تا به مبارزه بپیوندند، مبارزه‌ی برای حق بازگشت. فلسطینی‌ها به طور کلی حق بازگشت را به عنوان یک باور و یک فرهنگ پذیرفته‌اند. هر فلسطینی می‌تواند به شما بگوید که برای حقوق مدنی و اجتماعی می‌جنگد، اما این به مفهوم آن است که او خودش را برای بازگشت آماده می‌کند. این دو جدایی ناپذیرند.

- مسالهی مهاجرت در مذاکرات، در دهه‌ی گذشته، بیش از پیش کنار گذاشته شده است. برخی به خاطر حق غیرقابل انکار و برخی به خاطر مذاکرات. بعضی تقاضاها در دور اخیر مذاکرات کری وجود داشت. نظرتان در باره‌ی آن چیست؟ فکر می‌کنید پس از 29 آوریل که مذاکرات به پایان می‌رسد چگونه خواهد شد؟

لیلای خالد: جبهه آزادیبخش فلسطین و شخص من از 1991 مخالف مذاکرات بوده‌ایم. مساله آن است که دو حزب هیچ‌گاه مسلسل‌های خود را کنار نگذاشته‌اند. اسرائیل فکر می‌کند که فلسطین سرزمینی برای یهودیان تمام جهان است. فلسطینی‌ها مطمئن هستند که سرزمین متعلق به آنهاست. و آنها با زور در سال‌های 1947 و 48 از آن رانده شدند. هنگامی که این تضاد از یک مرحله به مرحله‌ی دیگر می‌رسد دو طرف به قدرت خود تکیه می‌کنند. اما واقعیت این است که ما دارای قدرت نیستیم. (این امر غلط است) رهبری، مذاکرات اسلو را انتخاب کرده است. فکر می‌کرد که یک گام به سمت به دست آوردن حقوق اساسی فلسطینی‌هاست. بعضی مردم به آن اعتقاد داشتند اما پس از بیست سال مشخص شد که این اعتقاد بیهوده بوده است. این امر برای ما یک فاجعه به بار آورد. شهرک‌نشین‌ها بیشتر از آن موقع شد دو برابر قبل از اسلو، شمار شهرک‌نشینان دو برابر شدند، زمین بیشتری مصادره شد و البته دیوار ساخته شد. دیوار آپارتاید. اسرائیل یک دولت آپارتاید است. این مذاکرات اکنون به مفهوم آن است که به اسرائیل کمک کنید نه به فلسطینیان. ما قبلا این مساله را تجربه کردیم که منظور اسرائیل از مذاکرات چیست. اسرائیل هیچ‌گاه به قول‌هایش احترام نمی‌گذارد. وعده‌هایش را انجام نمی‌دهد. و به سادگی پروژه‌ی بدبختی زندگی جهانی فلسطینیان را به پیش می‌برد. من و حزبم مخالف این دور اخیر مذاکرات هستیم. به خصوص در شرایط حاضر. امریکا حامی پروژه‌ی اسرائیل است که تنها به اسرائیل کمک می‌کند. یک توافقنامه وجود دارد که به وسیله‌ی امریکا حمایت می‌شود. این توافقنامه می‌گوید که شما باید شهرک‌سازی را در ساحل غربی متوقف کنید و 104 زندانی باید در سه مرحله آزاد شوند. اکنون اسرائیل می‌گوید نه. ما این

موافقتنامه را اجرا نخواهیم کرد. ما آخرین عده‌ی زندانیان را آزاد نخواهیم کرد. به هر ترتیب آنها که آزاد هم شده‌اند غالباً پس از مدت کوتاهی دوباره به زندان انداخته می‌شوند. این آن چیزی است که اسرائیل به آن سیاست در چرخشی می‌گوید. فلسطینی‌ها می‌گویند زندانی‌ها باید آزاد شوند. اما آنها دوباره دستگیر می‌شوند. بسیاری از آنها قبلاً به زندان بازگشته‌اند. این امر مشخص است که در این موضوع اسرائیل آماده صلح با فلسطینیان نیست. آنان همچنین از این حقیقت سوءاستفاده می‌کنند که عرب‌ها مشغول بسیاری چیزهای دیگر هستند و فلسطینیان را حمایت نمی‌کنند. در چنین وضعیتی هیچ کس اسرائیل را به خاطر عدم اجرای قراردادی که امضا کرده است محکوم نمی‌کند.

همچنین کری چه می‌خواهد؟ نقشه‌ی او چیست؟ هیچ کس نمی‌داند. همه‌ی اینها حرف است. هیچ چیز نوشته نشده است. رهبری باید پیشنهادات کری را رد کند. در این صورت کری با پیشنهادات دیگری به رام اله برنخواهد گشت. چیزی که به مفهوم آن است که فلسطینیان به دنبال به کار گرفتن گزینه‌ی دومشان خواهند بود و به سازمان ملل بازخواهند گشت. امروز در اخبار ایالات متحده دوباره گفت که ممکن است چنین حرکتی صورت گیرد. معنی این امر چیست؟

من فکر می‌کنم ما ابتدا نیاز داریم که به ماهیت دولت اسرائیل توجه کنیم. در ثانی ما باید بیشتر در باره‌ی پروژه‌ها و نقشه‌های آنها بدانیم. و در ثالث ما می‌دانیم که اسرائیل در بعضی حوزه‌ها قدرتمندتر از ماست. اما ما نیز قدرتمندیم. تمام این امر بستگی به مردم خودمان دارد. ما می‌خواهیم با این مبارزه رودرو شویم که اسرائیل در جلوی ما گذاشته است. این یک ضرب المثل انگلیسی است که می‌گوید: "وقتی که چیزی را می‌خواهی راهش پیدا می‌شود." ما هنوز معتقدیم که این حق ماست و ما برای آن مبارزه می‌کنیم. ما مبارزه کرده ایم. ما در حال مبارزه هستیم، و ما مبارزه خواهیم کرد. از یک نسل تا نسل دیگر. آزادی نیاز به مردمی قوی دارد که حرکت کنند و برای خواسته‌هایشان بجنگند. این راهی است که من فکر نمی‌کنم در حال حاضر توقف داشته باشد. امریکا همواره می‌خواهد که مذاکرات را طولانی کند. این امر کمکی نخواهد کرد.

- اگر مذاکرات صلح برای فلسطینیان به ارمغان نمی‌آورد، پس به چه درد می‌خورد؟ رهبری چه کار باید بکند؟ لایلا خالد: مقاومت. این است راهی که شما حقوق‌تان را به عنوان یک ملت به دست می‌آورید. تاریخ این را به ما نشان داده است. هیچ مردمی آزادی‌شان را بدون مبارزه به دست نیاورده‌اند. جایی که اشغال هست، مقاومت هم هست. این مخصوص فلسطینیان نیست. ما واقعا خواهان آن هستیم که کنفرانسی تحت حمایت سازمان ملل برگزار شود تا قطعنامه‌های صادر شده در مورد فلسطین را به اجرا در آورد. قطعنامه‌ی 194 از اسرائیل می‌خواهد که بازگشت مهاجران را بپذیرد. بسیار خوب اجازه بدهید سازمان ملل در جایگاه خود باشد. اجازه بدهید کنفرانسی داشته باشیم که این امر را به اجرا در آورد. مساله این است که ارجاع به هر مذاکره‌ای که به وسیله‌ی امریکا انجام می‌شود تا آنجا که ما می‌دانیم جانب‌گیری به طرف اسرائیل است.

- سازمان آزادیبخش فلسطین برای آزادی فلسطین تشکیل شده است. آیا فکر می‌کنید مفهوم واقعی خود را از دست داده است؟ بسام شاکا در سال 2008 به من گفت که سازمان آزادیبخش فلسطین قبل از هر چیز نیازمند آن است که به ریشه‌های خود به با یک جنبش مقاومت بازگردد.

لایلا خالد: هیچ آزادی‌ای بدون مقاومت به دست نمی‌آید. حزب من هیچ تغییر نکرده است. او به برنامه‌های خود وفادار است. ما خواهان گسترش مقاومت هستیم. مردم درباره‌ی مقاومت عمومی صحبت می‌کنند. من منظورم تنها تظاهرات نیست. به کار بردن اسلحه نیز امری عمومی است. ما مردمی داریم که آماده‌ی جنگ هستند.

- مقاومت صلح آمیز و غیرخشونت آمیز، برای افرادی مثل شما که اسلحه را انتخاب کرده‌اند، آیا یک مفهوم آزادیخواهانه دارد؟

لایلا خالد: مقاومت بیش از یک وجه دارد. این امر می‌تواند انواع مختلف داشته باشد. غیرخشون و خشن. من مشکلی با آنانی ندارم که راه غیرخشونت‌آمیز را انتخاب می‌کنند. ما نمی‌گوییم که آزادی کشور ما تنها با مبارزه‌ی مسلحانه است. انواع دیگر مقاومت لازم است. یکی از آنها مبارزه‌ی سیاسی است. و یکی دیگر مبارزه‌ی دیپلماتیک و یکی هم مبارزه‌ی غیرخشونت‌آمیز است. ما نیازمند آن هستیم که هر چه را می‌توانیم استفاده کنیم. برای بیش از ده سال اکنون مردم ما در بین العین () نبی صالح () تظاهرات می‌کنند... به ساختن دیوار اعتراض می‌کنند و به مصادره‌ی زمین‌هایشان اعتراض می‌کنند. اسرائیل با این اعتراضات چگونه برخورد

می‌کند؟ با خشونت، گاز اشک‌آور، بمب ... آیا شما فکر می‌کنید این امر قابل قبول است که یک ارتش با سلاح‌های سنگین در برابر مردمی قرار بگیرد که تنها پرچم حمل می‌کنند؟ من با همه‌ی اشکال مقاومتی که مفهوم مقاومت داشته باشد مشکلی ندارم. ما نمی‌توانیم بگوییم که مقاومت مسالمت آمیز به تنهایی سبب به دست آوردن حقوق‌مان می‌شود. ما با یک دولت آپارتاید مواجه هستیم، صهیونیسم به عنوان یک جنیت، امریکایی‌ها و به طور کلی غرب که اسرائیل را حمایت می‌کنند. هنگامی که موازنه‌ی قدرت تغییر کند، آن گاه ما می‌توانیم در باره‌ی مذاکره فکر کنیم.

- این امر آسان است که بر مقاومت مسلحانه تاکید کنیم، به خصوص هنگامی که مردم عادی می‌دانند که ستمگر کیست و ستم شونده کیست. حرکت شما در سال 69 و 70 در این باره بود. درست است؟ برای آنکه فلسطین را در نقشه قرار دهید. آیا فکر می‌کنید جریان آگاهی‌رسانی برای نشان دادن چهره‌ی دیگری از فلسطین، نشان دادن آنکه فلسطینیان از شیوه‌های مشروع استفاده می‌کنند و دارای حقانیت هستند از دهه‌ی 1970 تا به حال به اندازه‌ی کافی به کار گرفته شده است؟

لیلا خالد: اجازه بدهید مثالی از ویتنام بزنم. یا از الجزایر یا از جنوب افریقا. مردم نیاز به زمان دارند تا متقاعد شوند که تمام جهان حقانیت مبارزات آنها را پذیرفته‌اند. این زمان می‌برد. در انتها جهان به این واقعیت پی خواهد برد که ستم‌گشان حق دارند مقاومت کنند، به هر طریقی که می‌خواهند.

هیچ کس نمی‌تواند شکل مقاومت را به ما تحمیل کند. ما مبارزه‌ی مسلحانه را انتخاب کردیم. به اهداف‌مان نرسیدیم. سپس انتفاضه به راه افتاد و تمام جهان جدی بودن ما را دریافت. ما حمایت سراسری مردم جهان را به دست آوردیم. هنوز ما به اهدافمان نرسیده ایم، زیرا رهبری شجاعت کافی را در هنگام گسترش انتفاضه نداشت تا آن را به سطح بالاتری ببرد. اسرائیل آماده بود تا خروج از ساحل غربی و نوار غزه را بپذیرد. اما رهبری ما، ما را شکست داد. اسرائیل بخش بیشتری از فلسطین را اشغال کرد. به این ترتیب ما تصمیم گرفتیم که سرنوشت خودمان را در دستان خودمان بگیریم.

با مبادرت به مبارزه‌ی مسلحانه. امروز مردم منتظرند اما به این واقعیت آگاهند که این مذاکرات ما را به جایی نمی‌رساند. تجربه‌ی گذشته‌ی ما با اسرائیل نشان داد که به آنها نمی‌شود اعتماد کرد. آنها برای حرف خودشان احترام قائل نیستند. همواره ما را تهدید می‌کنند. آیا ابومازن شریک صلح نیست؟ چه کسی هست؟ شارون؟ نتانیا هو؟ این جبهه‌ی راست حکومت؟ این یک حکومت نیست. این یک گروه گانگستریست که به طور اساسی نماینده‌ی شهرک نشینان، فاشیست‌ها و نژادپرستان است. اشغال قرن گذشته آغاز شد. آنجا سرزمین یهودیان بود. کتاب مقدس این سرزمین را به آنان وعده داده بود. آیا این دموکراتیک است؟ جهان در سال 1948 این اسکان را پذیرفت. "خدا به ما وعده‌ی زمین داده است!" گویا که خدا یک عامل حکومتی است. این یک پروژه‌ی استعماری است. این مساله‌ی اصلی تضاد است.

- مبارزه در باره‌ی خاتمه دادن به پروژه‌ی استعماری شهرک‌سازی‌های اسرائیلی است، سپس خاتمه دادن به آپارتاید، بعدا چه خواهد شد؟ به نظر شما پس از آن چه خواهد شد؟ روز پس از پیروزی؟ آیا یک الجزایر خواهید شد یا یک افریقای جنوبی؟

لیلا خالد: ما همواره گفته‌ایم که خواهان یک جامعه‌ی انسانی تر هستیم. جایی که هرکسی بتواند در یک امکانات برابر زندگی کند. یهودیان، مسلمانان، من اصلا به مذهب اشخاص کاری ندارم. من معتقدم که انسان باید خودش باشد. انسان‌ها می‌توانند با یکدیگر زندگی کنند و در باره‌ی آینده‌ی سرزمین‌شان با یکدیگر تصمیم بگیرند. اما من نمی‌توانم بپذیرم اکنون من حق ندارم به شهر خودم برگردم، همانند 6 میلیون فلسطینی دیگر. ما اجازه نداریم به آنجا برگردیم. ما یک راه حل دموکراتیک و انسانی را پیشنهاد می‌کنیم. هیچ کس نمی‌تواند به من بگوید که ما حق نداریم در مورد سرنوشت کشورمان تصمیم بگیریم. زیرا ما مهاجر هستیم. تا آنجا که من می‌دانم آنچه بر سر ما آمد در تاریخ بی سابقه است. مردم از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند و مردم دیگری از راه‌های دور به آنجا آمدند. جای آنها را گرفتند. اسرائیلی‌ها شهروندان کشورهای دیگر هستند. اسرائیل مدیون سازمان‌های متنوعی است که قبل از 1948 یک ارتش را ساختند. باشد، اما آنها جامعه نبودند. آنها مردم را از خارج آوردند. مردمی از فرهنگ‌های مختلف آمدند. بعضی از آنها حتا عبری صحبت نمی‌کنند. ما خون بیشتری نمی‌خواهیم. اما

مجبوریم مقاومت کنیم. ما حق داریم در خانه‌های خودمان زندگی کنیم. هنگامی که اسرائیلی‌ها به این واقعیت برسند که این جابه‌جایی را انجام ندهند تضاد به پایان خواهد رسید. آنها راه حل ما را خواهند پذیرفت. بعضی از اسرائیلی‌ها قبلاً آن را فهمیده‌اند. این که شما نمی‌توانید برای همیشه بجنگید. برای چه؟

- شما می‌توانید به ما در باره‌ی نقش زنان در مقاومت بگویید؟ و آیا شما فکر می‌کنید که حرکت شما، ربودن هواپیما در سال 69 و 70 کار بیشتری برای فلسطین انجام داد یا برای زنان در سراسر جهان، و یا برای هر دو؟ لیلا خالد: هواپیما ربایی تنها یک تاکتیک بود. ما می‌خواستیم زندانیانمان را آزاد کنیم و مجبور بودیم که حرکتی قوی انجام دهیم.

ما خاطر نشان کردیم که به عنوان فلسطینی‌ها، فقط پناهنده نیستیم. ما یک ملتیم که اهداف سیاسی و انسانی دارد. جهان به ما چادر، لباس‌های دست دوم و استفاده شده و مواد غذایی می‌داد. آنها برای ما اردوگاه می‌ساختند. اما ما بیش از این بودیم. امروزه برنامه‌هایی برای پایان دادن به اردوگاه‌ها وجود دارد، چرا که آنها شاهد مسایل 1948 بودند. زنان بخشی از مردم ما هستند که همان بی‌عدالتی‌ها را احساس می‌کنند. به طوری که آنها همراه دیگران در همه‌ی امور مشارکت دارند. زنان زندگی می‌بخشند، پس آنان نسبت به مردان خطرات بیشتری را احساس می‌کنند. هنگامی که آنها درگیر مبارزه می‌شوند، بیشتر به انقلاب مومن هستند زیرا از زندگی کودکان خود دفاع می‌کنند. من به هنگام تولد دو فرزندم، بیشتر و بیشتر متقاعد شدم که آنچه من تا آن زمان انجام داده بودم، بهترین دفاع از آنها بود برای ساختن آینده‌ای بهتر برای آنها. من با زنانی که فرزندان خود را از دست داده بودند، هم حسی داشتم. بنابراین در پاسخ به سوال شما فکر می‌کنم اعمال و رفتار من بر هر دو تأثیر داشته است. شعار جبهه‌ی مردمی این بود: "مردان و زنان همراه هم در مبارزه برای آزادی سرزمین مان."

جبهه آزادیبخش این امر را با ارائه جایگاهی برای زنان در مبارزه به اجرا درآورد. همزمان زنان نقش بزرگی در دفاع و در جبهه‌ی داخلی به عهده داشتند: نگهداری از خانواده‌ها. هزاران زن فلسطینی اکنون مسوول خانواده‌هایشان هستند. پس از همه‌ی جنگ‌ها، قتل‌عام‌ها، دستگیری‌ها، کشتار به وسیله‌ی اسرائیلیان، این زنان بودند که خانواده‌شان را از فروپاشی حفظ کردند. همچنین زنان اکنون تعلیم می‌دهند، کار می‌کنند، مسافرت می‌کنند، به دانشگاه می‌روند و غیره. قبل از انقلاب این چنین نبود. اکنون این چنین است و باید باشد. شما می‌توانید ببینید که زنان در بسیاری از جنبه‌های مبارزه و جامعه نقش دارند. چه در داخل یا خارج از فلسطین.

- نینا مکیول که فیلم شما را به نام "لیلا خالد"، هواپیما را ساخته است، آخرین سوالش در فیلم این است که "حرکت شما بیشتر از هر چیزی به مردم فلسطین آسیب نزده است؟" این فیلم درست بعد از این سوال تمام می‌شود. پاسخ شما چه بود؟

لیلا خالد: او به من گفت که این کار را برای اهداف سینمایی انجام داده است. اما من آن را دوست ندارم. واقعیت این است که مردم نمی‌توانند پاسخ مرا بشنوند. پاسخ من البته "نه" بود! اقدامات من در مبارزه، در خدمت مردم بود. ما به هیچ کس صدمه نزدیم. ما به تمام جهان اعلام کردیم که یک ملتیم که در بی‌عدالتی زندگی می‌کنیم و این که جهان به ما کمک کرد تا به هدف خود برسیم. من برای ساعت‌ها و ساعت‌ها با لینا نشستیم و داستانش را گفتیم. او گفت که تلویزیون سوئد خواهان آن بود که این سوال گذارده شود.

- آیا شما گاهی اوقات به گذشته برمی‌گردید؟ چه کاری انجام شده، چه می‌توانست انجام شود، آنچه که می‌توانست متفاوت انجام شود، وضعیت فعلی را چگونه می‌بینید؟ چه چیزی غلط بوده است؟

لیلا خالد: در حال حاضر حزب من هفتمین کنفرانس خودش را برگزار کرده است و موقعیت خودش را مورد بررسی قرار داده است. ما برنامه‌ای را ارائه دادیم تا ارتباطات خود را با نیروهای پیشرو در سراسر جهان گسترش دهیم به خصوص در سطح کشورهای عربی. ما همچنین تصمیم گرفتیم که ساختار داخلی خودمان را تقویت کنیم. من همچنین آموخته‌ام که موقعیت خودم را مورد تجدید نظر قرار دهم، افکار خودم را. هر سال در

دسامبر، من به سال گذشته‌ی خودم برمی‌گردم و تصمیم می‌گیرم که بعضی چیزها را برای سال آینده انجام دهم. امسال تصمیم گرفتم سیگار کشیدن را کنار بگذارم. پس آن را انجام دادم.
- مبارکه
لیلا خالد: من از قبل این تصمیم را گرفته بودم و برایم انجام آن آسان بود.

- به نظر شما، چرا فلسطین نمادی برای جنبش همبستگی شده است؟
لیلا خالد: فلسطین برای من بهشت است. ادیان در مورد بهشت صحبت کنند. برای من، فلسطین بهشت است و سزاوار است تا برای به دست آوردن آن هزینه بدهیم.
منبع:

* <https://api.soundcloud.com/tracks/143090352> params="color=ff5500"
width="100%"